

## آموزه امر به معروف و نهی از منکر در قیام زید بن علی علیه السلام

محمد عتایی<sup>۱</sup>

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۶۹

### چکیده:

قیام زید بن علی از دیرباز مورد توجه پژوهش‌گران بوده و برای این قیام علل و انگیزه‌های مختلفی برشمرده‌اند. این قیام را می‌توان تحت عنوان جنبش‌های «دگرگون ساز» نام‌گذاری کرد؛ اما چرا جنبش دگرگون‌ساز زید، ماهیتی اصلاحی دارد؟ فرضیه پژوهش این است که ماهیت اصلاحی خیزش زید بن علی، ریشه در آموزه امر به معروف و نهی از منکر و نتایج مترتب بر قیام برای انجام این آموزه دارد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با مفهوم‌شناسی انقلاب و قیام، نسبت آن با اصلاح اسلامی بررسی، و مفهوم اصلاح اسلامی در قیام زید بن علی، در چارچوب آموزه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر تبیین شده است. از این منظر نتیجه پژوهش آن شد که قیام زید، شورشی زودگذر نبود؛ بلکه اصلاحی دگرگون ساز بر شالوده آموزه اصلاح طلبانه امر به معروف و نهی از منکر بود. این قیام اثرات بلندمدتی برجای گذاشت که از جمله مبنای نظری و اعتقادی فرقه زیدیه و قیام‌گران بعدی را فراهم ساخت.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد واحد شوشتر: m.sami.1360@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۷

## کلیدواژه‌ها:

زید، اصلاح، انقلاب، شورش، قیام.

## مقدمه

بیکار با ستم و ستم‌گران یکی از تکالیف برجسته انسان‌های باورمند در اسلام است که قرآن به گونه‌های مختلف بر آن تأکید دارد. از دید اسلام جلوگیری کردن از ستم‌گری ظالمان، یک تکلیف است که همگان در حدّ توان، باید به اندازه‌ای که برایشان شدنی است، به انجام این وظیفه به پا خیزند؛ بنابراین ستیز با طاغوت‌ها و ستم‌گران، هم‌واره در جامعه اسلامی به عنوان یک وظیفه مورد توجه بوده است. بر این شالوده در روزگار پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برخی از یاران ایشان با ستم‌گران به مخالفت و ستیز پرداختند. سنت دینی ستیز با فرمان‌روایان نابکار، به پیروی از آموزه‌های دینی و راه و روش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در زمانه‌های پس از آن نیز ادامه یافت؛ هرچند با توجه به شرایط، شیوه مبارزات متفاوت بوده است.

رویداد کربلا و جان‌باختگی امام حسین علیه السلام و یارانش، گرچه نخستین مخالفت با امویان نبود، ولی به علل گوناگون، نقطه آغازی برای مهم‌ترین روش مخالفت و ستیز با این حکومت شد. این رویداد تاریخی که با جان‌باختگی امام سوم شیعیان و یارانش پایان یافت، افزون بر فلسفه، آرمان و چارچوبی اصلاح‌گرایانه، بر شالوده اصل امر به معروف و نهی از منکر را برای خیزش‌ها تعریف کرد. قیام زید بن علی، نواده امام حسین علیه السلام نیز کوشش داشت، علی‌رغم توانایی حکومت بنی‌امیه با شوریدن بر ستم‌گران، اقتدار و مشروعیت خلافت بنی‌امیه را به چالش بکشاند. این خیزش خونین، از جنبش‌هایی است که در جهان اسلام بسیار شهرت یافت. حکومت اموی، با به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و شکست قیام‌های سال‌های پس از آن، کوشش داشت تا امید به پیروزی و چیره شدن بر حکومت بنی‌امیه را در دل هم‌آوردان به طور کلی خاموش کند؛ اما در چنین شرایطی، زید نواده امام حسین علیه السلام با جنبش خود پرتو امید را در دل‌های مخالفان بنی‌امیه

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۷۰

شعله‌ور ساخته و پایه‌های حکومت اموی را به لرزه انداخت. این خیزش که همانند بیشتر جنبش‌های پیش از خود، در عراق و شهر کوفه، یعنی پایگاه مخالفان بنی‌امیه صورت گرفت، سرفصل جدیدی از مبارزات و خیزش‌ها بود؛ گرچه زود هنگام و با کشته شدن رهبر آن پایان یافت. این جنبش افزون بر رویداد کربلا، از خیزش زید بن علی نیز الگومی گرفت. پس از آن بود که «حسنیان» به مسلک مبارزاتی زیدیه گرایش یافتند و این دو جریان در گذر زمان، در یک جهت که همانا از بین بردن نظام فرمان‌روایی با قیام بود، هم‌داستان شدند. این قیام‌های پی‌پی با شعار «الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»، تا سرنگونی خلافت امویان و پس از برپایی دولت عباسیان، با شعارهای دیگر نیز ادامه یافت.

نظربه اهمیت این قیام و اهمیت تاریخی زمان آن، درباره زید بن علی و خیزش او، پژوهش‌گران گوناگونی به پژوهش و تحقیق پرداختند؛ از جمله تک‌نگاری‌های «سیره و قیام زید بن علی» نوشته حسین کریمیان، «شخصیت و قیام زید بن علی» اثر سید ابوالفضل رضوی اردکانی و کتاب «ثبوت زید بن علی» تألیف حسن ناجی که به شکل اختصاصی، شخصیت و قیام زید را بررسی کرده‌اند. افزون بر آن، پژوهش‌گران فراوانی در کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف به جنبه‌های گوناگونی از خیزش زید پرداخته‌اند. از جمله مقاله «آرمان‌شناسی قیام‌های شیعی با رویکرد به شعارها و نمادها»، نوشته علی واحدی با درون‌مایه بررسی کلی آرمان‌های قیام‌ها، و مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی نهادی شدن جنبش زید بن علی» تألیف محمدرضا بارانی و هدی شعبان‌پور، و مقاله «زید بن علی رهبر کارزماتیک زیدیان» تألیف محبوبه فرخنده زاده، که به صورت ویژه و از منظر دیدگاه نظریات جامعه‌شناختی، این قیام را تحلیل کرده‌اند.

اما پژوهش‌گران کمتر به بن‌مایه امر به معروف و نهی از منکر و چگونگی اصلاح مدنظر زید در چارچوب آن پرداخته‌اند. خیزش زید را می‌توان تحت عنوان جنبش‌های «دگرگون‌ساز» نامید؛ اما چرا جنبش دگرگون‌ساز زید، ماهیتی اصلاحی دارد؟ فرضیه پژوهش این است که ماهیت اصلاحی خیزش زید بن علی، ریشه در آموزه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر دارد و اصلاحات موردنظر، دست‌آورد قیام برای امر به معروف و

نهی از منکر است. به منظور پاسخ به پرسش یاد شده و بررسی علت و غایت خیزش زید در این پژوهش، کوشش بر این است تا با تکیه بر منابع دست اول و دیگر پژوهش‌های انجام یافته، به روش توصیفی، تحلیلی، اصلاح اسلامی و نسبت آن با اصطلاحاتی همچون قیام، انقلاب و... را مفهوم‌شناسی کنیم؛ هم‌چنین عوامل و مراحل بروز این قیام با توجه به آموزه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، ریشه‌یابی کرده و با نگاهی توصیفی - تحلیلی، مسأله قیام زید بن علی از این زاویه را مورد مذاقه و بازخوانی قرار دهیم.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۷۲

### اصلاح اسلامی و نسبت آن با مفاهیم دیگر

جنبش ضد اموی زید بن علی با عناوین گوناگونی هم‌چون قیام، جنبش، یا شورش از آن نام برده شده است (ابن سعد، ۳۲۶؛ طبری، ۱۶۲/۷)؛ با وجود این، قیام زید، جنبشی باهدف اصلاح‌گرایانه معرفی شده است (الهامی، ۳۸۱؛ رضوی اردکانی، ۱۱۸).

اصلاح<sup>۱</sup>، واژه‌ای عربی و به معنای سامان بخشیدن و راست ساختن، در نقطه مقابل فساد آمده است (مهیار، ۱۰۲ و ۱۰۱؛ شریعتمداری، ۶۱۸/۲)؛ در اصطلاح سیاسی، اصلاح یا بهبودخواهی به هواداری سیاست تغییر زندگی اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی، اما به روش‌های آرام و بدون شتاب گفته می‌شود. (آشوری، ۷۲) هم‌چنین اصلاح به دگرگونی‌هایی گفته می‌شود که «در چارچوب یک منظومه (پیکره) و با پاسداری بنیادها و شالوده‌ها و عناصر بنیادین رخ می‌دهد. این دگرگونی‌ها هستی و عملکرد منظومه را تغییر نمی‌دهد، ولی کارایی آن را در شرایط و جایگاه معینی فزونی می‌بخشد و آن را توانا به سازگاری و ادامه زندگی در وضعیت تازه می‌کند» (گروه نویسندگان، ۱۳) اصلاح اجتماعی، یعنی دگرگون کردن ساختن جامعه در جهت دل‌خواه (مطهری، ۸). با آگاهی به این تعاریف می‌توان اصلاح اجتماعی را با تغییر اجتماعی مورد نظر جامعه شناسان، مشابه دانست؛ زیرا در تعریف تغییر اجتماعی آمده است: «تغییری قابل رؤیت، در طول زمان، به طوری که موقتی یا کم دوام نباشد، بر ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک

جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید» (گی روشه، ۳۰). اصطلاحی که قرآن برای دگرگونی به کار برده، همین اصطلاح «تغییر» است (رعد/۱۱). این اصطلاح مکرر از سوی اندیشمندان مسلمان، مانند سید جمال‌الدین، عبده و رشید رضا، به کار گرفته شده است (عزتی، ۲۲-۲۱).

در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی «به هواداری از سیاست تغییر زندگی اجتماعی اقتصادی یا سیاسی، با روش‌های ملایم و بدون شتاب»، «اصلاح» می‌گویند (آشوری، ۷۲). بر پایه این که اصلاحات چه نسبتی با هیأت حاکمه دارد، اصلاح طلبی را می‌توان به دو جریان اصلاح از درون و اصلاحات از بیرون فرمان‌روایی، تقسیم‌بندی کرد (برینگتون مور، ۲۵).

از سوی دیگر، امروزه هر حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها، باورهای مسلط و نهادهای سیاسی، «انقلاب» معنا می‌شود (محمدی، ۲۵). انقلاب‌ها اصولاً با نفی گذشته همراه‌اند. انقلابیون کوشش دارند با راندن آن چه وابسته به گذشته است، سامان نوینی را پایه‌ریزی نمایند. برخی متفکران مسلمان، انقلاب را نوعی عصیان و طغیان علیه نظم موجود و وضع حاکم، به منظور برقراری نظم مطلوب می‌دانند (مطهری، ۱۴۱). بنابراین می‌توان تعریف کامل‌تری که هر دو مفهوم انقلاب و اصلاح را در بردارد، با توجه به چارچوب کلی آموزه‌های اسلام و توجه به تعاریف سیاسی و اجتماعی انقلاب، ارائه داد. این تعریف عبارت است از:

«امر به معروف و نهی از منکر که از طرف مردمی آگاه، متحول و شعور یافته، با انتخاب و اختیار، به طور هم‌زمان و جمعی، در مقابل سلطان یا هیئت حاکمه جائر و متخطی، طی مراحل خاص، به منظور تغییر و تحول در ساخت‌ها و نهادها، ارج‌ها و ارزش‌های مسلط، و به تعبیر صحیح‌تر احیاء سنن و معارف الهی و اماتة بدعت‌ها، تحریف‌ها و منکرات، تحت رهبری واجد شرایط، که معمولاً خشونت‌آمیز نیز هست، صورت می‌گیرد» (حاتمی، ۱۲). بنابراین شالوده اصلاح اسلامی، در برابر انقلاب قرار ندارد و تنها به روش مسالمت‌آمیز نیست. چه، هر کنش رویاروی تباهی و افساد، در چارچوب

آموزه‌های اسلام، برای به سامان کردن امور، چه با روش انقلابی و چه با روش مسالمت‌آمیز انجام شود، کنشی اصلاحی اسلامی است (مظفری، ۴۷-۴۶).

باید توجه داشت، گاهی برخی از دیدگاه‌های امروزی درباره اصلاح و چگونگی انجام آن، با آن چه دل‌خواه اسلام است، هم‌پوشانی دارد، با وجود این، اصلاح اسلامی مفهومی گسترده و دامنه‌دار است که هم در آیات قرآن کریم و هم «در سنت نبوی [اصلاح] در هر سه زمینه نفسانی، روابط میان مردم و اوضاع اجتماعی به کار رفته است» (سیدجوادی و دیگران، ۲۲۹). حق محوری، اهتمام به دین، نفی سکولاریزم و تشکیل حکومت دینی، از ویژگی‌های اصلاح اسلامی است (عباسی، ۱۱۷-۱۰۷).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۷۴

### راهبرد اصلاحی امر به معروف و نهی از منکر

در اسلام آموزه امر به معروف و نهی از منکر در یک سیر سه مرحله‌ای به انجام می‌رسد که باید از مرحله‌ای، به مرحله دیگر منتقل شد. در گام نخست از امر به معروف و نهی از منکر، نپذیرفتن قلبی همراه با عملی که نشانه ناخشنودی همانند ترش رویی و اخم کردن است، اتفاق می‌افتد. به این ترتیب که اگر کسی کار ناشایستی انجام داد و یک مسلمان آگاه شد، در بار نخست با روی گردانی، یا نگاه تند و چهره اندوهگین و مانند آن، از کارکرد او ابراز ناخشنودی می‌کند، تا او را از کار بدی که می‌کند، پشیمان کند. از نظر حضرت علی علیه السلام، «پایین‌ترین درجه نهی از منکر آن است که با گناه‌کاران با چهره گرفته و خشم آلود برخورد کنند» (حرعاملی، ۱۴۳/۱۶).

گام دوم پیشگیری یا جلوگیری از انجام منکر، گفتن است. به این معنی که با سخن گفتن و راهنمایی کردن، جلوی انجام منکر را گرفته، یا مانع آن شود. البته تذکر زبانی مرحله‌ای دارد که نخست با نرمی و اندرز همراه است؛ گرچه در پایان و در صورت بی‌نتیجه بودن آن کوشش، از زبان تند و هراساندن استفاده می‌شود. آخرین مرحله از مراحل امر به معروف و بازداري از منکر، اقدام عملی است. کسی که در برابر مردم به کار زشتی روی آورده و نمی‌توان او را با نگاه تند یا با سخن گفتن و اندرز از عملی که انجام می‌دهد پشیمان

کرد، جای برخورد عملی خواهد بود (حرعاملی، ۱۳۵/۱۶-۱۳۰؛ امام خمینی، ۳۱۱/۲-۳۲۰).

در پیشینه تاریخی جهان اسلام، در این که امر به معروف و نهی از منکر باید از کجا و چگونه آغاز و انجام شود، شاهد دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متضاد هستیم (مایکل کوک، ۲۵۷، ۳۲۴، ۳۷۱، ۴۱۱، ۴۸۴، ۴۹۴؛ صاحبی، ۳۴ و ۳۳). این نظریات گرچه هر کدام گونه‌ای از نتایج را باعث شده‌اند، ولی آن‌چه اصطلاحاً «اصلاح اسلامی» خوانده می‌شود، پویایی انقلابی است و تغییری که به پیروی از اصل لزوم امر به معروف و نهی از منکر و «در راستای رشد و کمال انسان» شکل می‌گیرد. این پویا کوشش دارد هم نظام‌های حاکم بر اجتماع را به رعایت حق و انجام اعمال صواب و صلاح وادارد و هم «مبارزه با آداب و عادات ناپسند را لازم بشمارد» (قنبری نژاد اصفهانی، ۱۲). به تعبیر شهید مطهری، «اصلاح طلبی روحیه‌ای اسلامی است...؛ زیرا اصلاح طلبی هم شأن پیامبری در قرآن مطرح است و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است که از ارکان تعلیمات اجتماعی اسلام است» (مطهری، ۱۰).

بر پایه آموزه‌های اسلامی، قیام در برابر فرمان‌روای ستم‌گر، پیروی از اصل قرآنی امر به معروف و نهی از منکر است (اعراف/۱۶۵؛ حرعاملی، ۱۱/۴۰۳؛ ابن شعبه حرانی، ۲۳۷/۱) و در راستای انجام آن، شخص باید مراحل را در رابطه با حکومت غیر مشروع و ستم‌گر در پیش گیرد. براساس سیره مبارزاتی امام حسین علیه السلام و کسانی که برای خون‌خواهی ایشان، یا به پیروی از نهضت کربلا قیام کردند، نخستین گام پس از ناخشنودی شدید قلبی، رد کردن و خودداری از پذیرش فرمان‌روای ظالم و پرهیز از بیعت با حاکم جور است. در راستای به کار بستن امر به معروف و نهی از منکر، دومین کنش در برابر فرمان‌روای ستم‌گر، اقدام عملی برای سرنگون کردن فرمان‌روای جائر و فروپاشی دولت ستم است (مکارم شیرازی، ۴۳ و ۴۲).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

## اوضاع سیاسی، اجتماعی دوران زید

بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی زمانه زید بن علی نشان می‌دهد، امویان که از سال چهل و یک هجری بر جهان اسلام چیره شده بودند، با زور شمشیر و سرکوب، فرمان‌روایی می‌کردند (ابن اثیر، ۳۳/۴؛ زرین کوب، ۳۲/۲). در دنباله فرمان‌روایی بنی‌امیه، سیاست مروانیان، چیره کردن دشمنان متعصب و تندخو بر اهل بیت پیامبر و یارانشان بود (ره‌دار، ۱۶)؛ به گونه‌ای که هر کسی که طمع می‌کرد در گوشه‌ای حکومتی به دست بگیرد، بیشتر بر یاران و خاندان علی سخت می‌گرفت (پیشین، همان‌جا). مزد و پاداش این کسان، بیشتر فرمان‌روایی در یکی از مناطق پهناور جهان اسلام بود.

سیاست خلیفگان این دوره برای آرام کردن ناراضیان، بیشتر خشونت‌آمیز و با رویکردی خون‌ریزانه بود. به‌عنوان مثال گماردن حجاج بن یوسف بر حکومت حجاز و عراق از سوی عبدالملک، یکی از همین راه‌کارها بود (طبری، ۱۷۴/۶). هم‌چنین سیاست داخلی و اجتماعی بنی‌امیه به این شکل نمودار شد که فقط بر خاندان بنی‌امیه متکی بودند (وحید دامغانی، ۴۱؛ رضوی اردکانی، ۱۵۴). از این رو افراد شایسته را از فرصت‌های شغلی و برعهده گرفتن مسئولیت‌ها محروم می‌کردند. هم‌چنین برای تسلط بر قبایل، پیوسته تخم تفرقه و درگیری را بین آنان می‌پراکندند و از درگیری بین قبایل برای استمرار چیرگی بر آنان بهره می‌بردند (طوقوش، ۲۳۸ و ۲۳۷). این سیاست باعث چند پارگی قبایل و تقسیم اعضای جامعه اسلامی به طبقات مختلف شد. با وجود این، حاکمان اموی مالیات‌های گوناگون را افزایش می‌دادند و بر فقرو بیچارگی توده مردم می‌افزودند (نوری حاتم، ۹۱).

در روزگار یگانه‌تازی حاکمان اموی، شیعیان و دوست‌داران اهل بیت پیامبر علیهم السلام در تنگنای اجتماعی و سیاسی قرار داشتند. من‌هال از یاران امام باقر علیه السلام می‌گوید:

«در مجلس امام باقر علیه السلام حضور داشتم که مردی وارد شد و سلام کرد. حضرت سلامش را پاسخ داد. مرد تازه وارد با امام احوال‌پرسی کرد و گفت: حالتان چگونه است؟» امام باقر علیه السلام که گویی می‌خواست صحنه آن روزگاران را ترسیم



کند، به او فرمود: «آیا به راستی تا کنون در نیافته‌اید که بر ما چه می‌گذرد؟» سپس آن مرد گفت: به خدا سوگند، من شما خاندان را دوست دارم. امام فرمود: «پس برتن خویش لباسی از بلا و ناگواری‌ها بپوشان، به خدا سوگند، رنج‌ها و ناگواری‌ها شتابان‌تر از سیل دره‌ها، به سوی ما و شیعیان ما پیش می‌تازد. نخست مشکلات به ما می‌رسد و سپس به شما» (طوسی، ۹۵).

در همین رابطه زید بن علی در سخنانی، این‌گونه اوضاع زمانه خود را از نظر سیاسی و اجتماعی ترسیم می‌کند:

«دستگاه خلافت خائنین و بدکاران را به کارها می‌گمارد و به کسانی که در امانت‌ها خیانت می‌کنند، مشاغل مهم می‌دهند... و لشکرهای خود را برای کوبیدن طرفداران حق مجهز می‌سازند. مردم حق‌گورا در زندان‌ها گرفتار کرده و کودکان را می‌کشند. به منکرات امر می‌کنند و از معروف نهی می‌نمایند. اینان در این اعمال خود به خدا به کتاب و سنت پیامبر توجهی ندارند... آیا شما نمی‌دانید خاندان پیامبر مظلوم و مقهور هستند؟ سهم ما فراموش شد و میراثمان از ما منع گردید. خانه‌های ما هم‌واره ویران گردید و احترام ما از بین رفت و سخنگوی ما تکذیب شد. فرزندان ما در ترس و وحشت متولد می‌شوند، در قهر و غلبه مخالفان بزرگ می‌گردند و با ذلت و خواری از جهان می‌روند» (فرات کوفی، ۱/۱۳۵ و ۳۸۲).

### زید بن علی و امویان

زید فرزند علی بن الحسین از مادری غیر عرب متولد شد. ایشان بیشتر دوران زندگی خود را در مدینه گذراند و در مکتب پدرانش آموزش دید. بنا به گفته معاصران او، زید در تفسیر و کلام از برگزیدگان روزگار خویش بود و کسی یارای مناظره با او را نداشت (محلی، ۱۴۱-۱۴۳)؛ به گونه‌ای که حتی هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، به قدرت بیان وی اذعان داشته و به حاکم کوفه از تأثیر سخنان وی بر جامعه تحت فرمان روایش هشدار داده

بود (یعقوبی ۲/۲۲۸). هم‌چنین از او به‌عنوان یکی از علمای آل محمد یاد شده است (ابن بابویه، ۱/۲۴۹). سفر وی به دمشق برای ملاقات با هشام خلیفه اموی، برای درخواست اجرای عدالت در زمینه اختلافی با برخی از خویشاوندانش، و چندی پس از آن فراخوانی وی به همراه تعدادی از بزرگان بنی هاشم به دربار هشام بن عبدالملک (طبری، ۱۰/۴۲۴۹)، باعث آگاهی بیشتر و عمیق‌تر وی به ماهیت فرمان‌روایان و حکومت بنی‌امیه شد.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۷۸

زید شاهد توهین اطرافیان هشام بن عبدالملک به ساحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود (کلینی ۸/۳۹۴). هم‌چنین رفتار هشام با وی تحقیرآمیز بود. چرا که از ادعای وی بر خلافت بی‌مناک بود (یعقوبی، ۲/۲۲۷؛ ابن طقطقی، ۱۳۲). هشام با عدم پذیرش زید به حضورش و معطل کردن وی در دمشق و هم‌چنین تحقیر وی به‌عنوان این‌که کنیززاده است (طبری، ۱۰/۴۲۵۷)، کوشش داشت تا شرافت نسبی و خویشاوندی زید با پیامبر و مقام بلند علمی او را کوچک انگارد.

در تلاشی دیگر زید بن علی، بنا به فرمان هشام به نزد حاکم کوفه یوسف بن عمر ثقفی، اعزام شد (طبری، ۱۰/۴۲۵۲). زید و چند نفر از بزرگان بنی هاشم پس از روبرو شدن با خالد بن عبدالله قسری حاکم برکنار شده کوفه، با دلایل محکم اتهام علیه خود را رد کرده، بی‌گناهی خود را ثابت کردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۱)؛ اما زید بن علی در مدت اقامت در کوفه، با فریاد دادخواهی اهالی کوفه روبه‌رو شد. بزرگان کوفه او را به رهبری قیام، علیه ظلم بنی‌امیه در عراق و دیگر سرزمین‌ها فراخواندند (پیشین)؛ چرا که در زمان هشام بن عبدالملک، زندگی بر مردم تنگ شد و احساسات و عواطف انسانی رو به زوال گذاشت، نیکوکاری و هم‌یاری از جامعه رخت بریست و مردم به پیروی از خلیفه، از بذل و بخشش دست کشیدند؛ به طوری که زمانی سخت‌تر از آن زمان دیده نشد (مسعودی، ۲/۲۰۸). زید گرچه در ابتدا در پذیرش رهبری جنبش مخالفان بنی‌امیه تردید داشت؛ ولی سرانجام پذیرفت و به صورت مخفیانه دعوت خود را همراه با روشن‌گری آغاز کرد (شامی، ۸۳-۸۴). زید می‌گفت اینان به همه مسلمانان ستم کردند. ما آن‌ها را به عمل به کتاب و

سنت فرامی‌خوانیم. ما می‌خواهیم سنت‌ها را زنده کنیم و چراغ بدعت‌ها را فرو نشانیم. اگر اجابت کنید به سعادت خواهید رسید (ابن خلدون، ۱۸۸) و مردم را به بیعت و یاری خود فراخواند. اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی و نیز گفتمان دینی زید، باعث جذب عالمان و فقیهان و دین‌داران به دعوت او شد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰؛ المقدم، ۱۹۱-۱۹۷). عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش، احیاء و زنده کردن سنت‌های نیکو از بین بردن بدعت‌ها (طبری، ۱۸۱/۷)، پیژواک نیازهای بنیادین جامعه آن روز و نشان‌دهنده این بود که از نظر مردم عراق و به‌ویژه شیعیان، خلفای بنی‌امیه از احکام قرآن روی گردان و از راه و روش پیامبر ﷺ دور شده‌اند. بنی‌امیه بدعت‌های خلاف آموزه‌های حکومتی اسلام، در شیوه حکومت و تعامل با مردم پدیدآورده بودند.

بنابراین «با زید به این شرط بیعت نمودند که طبق کتاب خدا و سنت رسول، با آنان عمل نماید. با ظالمان جهاد نماید، ستم‌دیدگان را یاری و محرومان را عطا فرماید و خاندان پیغمبر را بردشمنان یاری کند (طبری، ۴۲۶۷/۱۰)». همان‌طور که در مفاد بیعت با زید بن علی مشخص است، علاوه بر خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و یاری رساندن به اهل بیت، محرک جنبش، در عمل زید به اصل امر به معروف و نهی از منکر نهفته است (مفید، ۱۷۱/۲). او برای عمل به این آموزه دینی، احساس تکلیف کرده و در اجرای این اصل کوشش داشت (نوری حاتم، ۱۵۲).

با وجود اعلام تعدادی از خویشاوندان آگاه زید، که نسبت به پیشنهاد عملکرد بی‌وفایانه اهل کوفه هشدار داده بودند (ابن اثیر، ۱۳۸-۱۳۶)، و هم‌چنین با توجه به پیش‌گویی شکست و شهادت زید از سوی پیامبر و امامان (المقدم، ۷۶-۸۴)، روشن است که انگیزه و آرمان مهم زید، سامان بخشیدن و اصلاح امور مسلمین بوده است. او بارها گفته بود که برای رسیدن به این هدف حاضر است جان خود را قربانی راه دگرگونی جامعه به سوی خوبی‌ها قرار دهد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۲۶؛ فرات کوفی، ۴۳۵).

با اعلام یاری اهل کوفه و شهرهای اطراف آن، که هزاران نفر از آن‌ها با او بیعت کردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۲)، زید زمینه برای قیام اصلاح‌گرانه مبتنی بر امر به معروف و

نهی از منکر را مهیا دید و مردم را به دفاع از کسانی که مورد ستم امویان و طبقه حاکم واقع شده بودند، فراخواند.

قیام زید بن علی علیه السلام در دوران خلافت هشام بن عبدالملک انجام شد. هشام بعد از مرگ یزید بن عبدالملک، در سال ۱۰۵ به خلافت رسید و تا سال ۱۲۵، یعنی نوزده سال و هفت ماه، خلافت کرد. منابع گزارش می دهند که هشام نسبت به بزرگان و افراد شریف حقد و کینه داشت و به بخل مشهور بود. او می گفت: «درهم، درهم، باید جمع کرد تا مال فراوان گردد» (جاحظ، ۱۵). یعقوبی او را چنین توصیف می کند: او بخیل، بدخلق، بدزبان، ستم گر، قساوت پیشه و زبان دراز بود (یعقوبی، ۲۲۹).

## پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۸۰

### زید بن علی و امر به معروف و نهی از منکر

زید که با عنوان «حلیف قرآن» (اصفهانی، ۱۲۷) و یکی از «علمای آل محمد» شناخته می شد، (ابن بابویه، ۱/۲۴۹) اجرای اصل اصلاح گرایانه امر به معروف و نهی از منکر را، گام به گام بر خود لازم می دانست (بخاری، ۵۸)؛ گرچه ایشان از آغاز زندگی بر نایبکاری های امویان آگاه بوده است، اما در انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، در انتظار گذشت زمان و پیدایش شرایط بهتر برای برخورد با حاکمان اموی بود. بر این شالوده، اتخاذ موضع مرحله ایی، در اجرای فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، ضروری بود. ایشان در ابتدا، گرچه از عملکرد حاکمان اموی انکار قلبی داشت، اما با ورود به عرصه فعالیت های اجتماعی، مرحله دعوت زبانی به معروف ها و هنجارهای مورد نظر اسلام را اجرا کرد. منابع تاریخی، مناظرات زید بن علی با مخالفان را گزارش کرده اند (محلّی، ۱۴۲). او حتی در مدینه، در ماجرای اختلاف ملکی با خویشاوندانش، بر سر موضوع صدقات رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نیز، علاوه بر رعایت اصول مکارم اخلاق و پیوند خویشی با نوادگان امام حسن علیه السلام، کوشش داشت تا ماهیت حاکم اموی مدینه را بر همگان آشکار سازد (طبری، ۱۶۳/۷؛ ابن اثیر، ۲۳۱/۵).

با فراخوانی زید و سفر او به دمشق، آگاهی های زید بر منکر بودن رفتار و عملکرد

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

۸۱

امویان، افزایش یافت. زیرا همان‌گونه که اشاره شد در حضور ایشان به ساحت پیامبر خدا ﷺ و امام باقر علیه السلام توهین ناروایی می‌شود؛ ولی هشام که خود را حاکم و جانشین پیامبر خدا ﷺ می‌دانست، با گوینده برخورد و حتی اعتراض نکرد (کلینی، ۳۹۴/۸). زید در دربار هشام، هدف اصلاح‌گرایانه خود را با امر به معروف و نهی از منکر پی می‌گیرد. او خطاب به هشام می‌گوید: «از خدا بترس». هشام برآشفته و می‌گوید: ای زید! آیا مانند تو همچو منی را به تقوی و ترس از خدا توصیه می‌کند؟ زید می‌گوید: «آری، هیچ‌کس بالاتر از آن نیست که به تقوی سفارش شود و هیچ‌کس پائین‌تر از آن نیست که نتواند تقوی را توصیه کند» (ابن عبد ربه، ۱۱۷/۴؛ مفید، ۱۷۳/۲). در این‌جا حاکم اموی، با توهین به مادر زید، کوشش می‌کند تا شخصیت زید را لگدکوب افکار و ارزش‌های دوران پیش از اسلام کند. (مفید، همان‌جا).

به دنبال آن هشام زید را به کوفه گسیل می‌دارد، تا در آن‌جا پاسخ‌گوی ادعای ارتباط مالی حاکم پیشین کوفه خالد بن عبدالله قسری، با خود و خویشاوندانش باشد (طبری، ۴۲۵۳/۱۰). با وجود آشکار شدن بی‌سند بودن ادعای حاکم برکنار شده کوفه، و اصرار حاکم امویان مبنی بر عدم اقامت زید در آن شهر جنبش خیز (ناجی، ۸۲؛ رضوی اردکانی، ۶۹)، وی پس از چندی زمینه را برای اجرای مرحله سوم اصلاحات، بر بنیاد آموزه امر به معروف و نهی از منکر، فراهم دید. در این شهر، بزرگان کوفه از او برای رهبری جنبش ضد اموی دعوت کردند. بنا به گزارش منابع تاریخی، پانزده هزار نفر از اهالی کوفه و شهرهای اطراف، از او اعلام حمایت و با وی بیعت کردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۲).

زید بن علی به آموزه‌های اسلامی در رهبری و قیام خود در راستای اجرای امر به معروف و نهی منکر و اصلاح اسلامی بسیار مقید بود؛ چندان‌که گفته می‌شود امام صادق علیه السلام درباره وی فرموده است: «همانا زید عالم و بسیار راست‌گویی بود. او شما را به خود دعوت نکرد؛ بلکه تنها به رضای از آل محمد (امام از آنان) دعوت کرد و اگر پیروزمی‌شد، حتماً به آن‌چه شما را به آن دعوت کرد، وفا می‌کرد (کلینی، ۲۶۴/۸)».

زید هم از نیرومندی خلافت سلطنت‌گونه بنی‌امیه آگاهی داشت و هم می‌دانست

که همین کوفیان، پیش از او با بزرگان خاندانش، در عین این که بیعت کرده بودند، اما در عمل از انجام وظیفه خود سرپیچیدند. برخی از آنان علاوه بر این، با توأبین هم همراهی نکرده و بر ضد مختار توطئه چینی کردند. با تمام این شرایط، زید با این جملات، انگیزه اصلی و هدف خود از این جنبش را به روشنی بیان کرد: «خدا را شکر که دینم را کامل کرد، در حالی که من شرم داشتم بر جدم رسول خدا در کنار حوض حاضر شوم و برای دین او امر به معروف و نهی از منکر نکرده باشم (بخاری، ۵۸).

از این روی، با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه تحت حاکمیت امویان، شرایط مهیای جنبش و قیام در کوفه، زید بن علی اجرای مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب دید. در این مرحله تمسک به زور و استفاده از قدرت برای برپایی معروف و جلوگیری از منکر، ظلم و ستم و کج روی دامنگیر عام و خاص، لازم است. ولی قیام اصلاح گرایانه زید، به دلیل جنبه اطلاعاتی حاکمیت امویان، فاش شد. به همین دلیل جنبش وی با کشته شدن زید و یارانش به پایان رسید؛ اما همانند قیام کربلا، برای همه کسانی که از وضعیت حاکم بر اوضاع سیاسی - اجتماعی آن دوره ناراضی بودند، به الگو و اسوه تبدیل شد. قیام زید سرآغازی برای تکاپوی مسلمانانی شد که خواهان اصلاحات و دگرگونی اصلاح طلبانه بودند، تا براساس آموزه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر، خواهندگان دگرگونی و به سازی شرایط جامعه (اصلاح اسلامی) را به سوی خود فراخوانند.

### اهداف و غایت امر به معروف و نهی از منکر در قیام زید بن علی

زید بن علی بن الحسین علیه السلام نخستین پیشوای زیدیه، قیام خویش را بر پایه امر به معروف و نهی از منکر بنیاد نهاد. وی با استناد به آیه ۷۱ سوره توبه، با برشمردن بترتیبی های آمران به معروف و ناهیان از منکر، انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر را «برانگیزنده فراخوانی به اسلام، بیرون ساختن دیگران از ظلمت، نپذیرفتن بیدادگران، برپاداشتن حدود، صله ارحام، گرفتن صدقات، بخش کردن غنایم و...» معرفی کرد (الدرسی الحمزی، ۳۰۰ و ۲۹۹). با تاکید بر این آموزه، مؤلفه های آرمان قیام زید را به عنوان

شالوده حرکت او و پیروانش، می‌توان به ترتیب ذیل برشمرد:

۱. برپایه آموزه‌های اسلام و تعالیم پیامبر خدا ﷺ، هنگامی که در رأس فرمان‌روایی، زمام‌داران و حاکمانی فاسد قرار گیرند که شایستگی منصب فرمان‌روایی و کشورداری را نداشته باشند، باید بر آن‌ها شورید و از منصب فرمان‌روایی برکنارشان کرد (ابن شعبه حرانی، ۲۴۵؛ ابن اثیر، ۴/۴۸).

۲. با روی‌آوری به امر به معروف و نهی از منکر، پیروان زید قیام و مبارزه با شمشیر را یکی از شروط بنیادین امامت دانستند (نوبختی، ۲۱؛ علوی، ۲۸).

۳. در جنبش زید بن علی علیه السلام، به دلیل وجود آموزه امر به معروف و نهی از منکر، ارمغان و برنامه سیاسی و اجتماعی، برپاساختن حکومت دینی است (فرات کوفی، ۳۸۲/۱؛ رضوی اردکانی، ۵۲).

۴. در قیام زید بن علی، دل‌بستن به دین، زنده کردن مکتب و اصلاح ارزش‌های دینی، مایه بنیادی و محوری جنبش است (ناجی، ۹۳). پایه قیام زید بن علی علیه السلام این بود که در زمان ایشان، انحرافات و بدعت‌هایی در دین رخنه و نفوذ و چهره راستین دین را دگرگون کرده بود (فرات کوفی، ۳۸۳/۲؛ رضوی اردکانی، ۵۱). از آن‌جا که دستگاه حاکم، به تعالیم دینی کوشش نمی‌ورزید، زید بن علی برپایه احساس تکلیف در امر به معروف و نهی از منکر، در صدد اصلاح و زنده کردن احکام قرآن و سنت پیامبر خدا ﷺ برآمدند.

۵. زید با قیام خویش در صدد اصلاح همه جوانب جامعه از راه آموزه‌های دین و به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر بود. از این‌روی اصلاحات مدنظر زید و یارانش همه‌جانبه و چندبعدی بود (فرات کوفی، ۳۸۳/۲).

از دیدگاه زید و هوادارانش در آن زمان، هم باورهای مردم سست و ناستوار شده بود، هم احکام الهی رو به تعطیلی می‌رفت و هم ارزش‌ها و اخلاقیات دینی به دست فراموشی سپرده شده بود (فرات کوفی، ۱۳۵/۱). زید بن علی با قیام خویش می‌خواست نشان دهد که با امر به معروف و نهی از منکر، نباید گذشت هیچ‌بعدی از ابعاد اجتماعی دین، دچار

آسیب و گزند شود. به طور کلی در آسیب پذیری دین، باید در پی اصلاح آن از راه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر برآمد.

#### نتیجه:

بررسی رویدادهای روزگار زید بن علی نشان می‌دهد که ایشان در یک روزگار ویژه و حساس از زمان پا به پهنه زندگی نهاد و در شرایط ویژه‌ای رشد یافت. در شرایط روزگار زید بن علی علیه السلام، وی لازم می‌دانست تا باهدف امر به معروف و نهی از منکر به انجام وظیفه بپردازد.

زید بن علی همچون یک انسان مسلمان باورمند، اصلاحات را در چارچوب دین اسلام و بر پایه آموزه امر به معروف و نهی از منکر، شذنی می‌دانست. بنابراین در همین چارچوب کوشش خود را برای اصلاحات را مرحله به مرحله پیش برد. کوشش زید برای دگرگونی در شرایط روزگار تدریجی و مرحله‌ای بود. گرچه برخی با دیدن مشعل‌های افروخته در کوفه اصطلاح شورش را بر جهاد اصلاح طلبانه او و یارانش اطلاق کردند و کشته شدن او و یارانش پس از دو روز پیکاری امان را برهانی برای آن تعریف قلمداد می‌کنند، یا برخی پا از این فراتر گذاشته و با در نظر گرفتن اهداف بلند آن قیام و جنبش‌های پیاپی و درازمدت زیدیان، آن کوشش و مجاهدت را انقلاب نامیدند؛ ولی باید دانست که جنبش زید بن علی تنها از نظرگاه کوشش اصلاحی در چارچوب آموزه امر به معروف و نهی از منکر قابل درک و شناساندن است. چراکه اصلاحات مورد نظر اسلام و مسلمانان باورمند با مفهوم اصل امر به معروف و نهی از منکر عجین شده است و از آن‌جا که کوشش برای انجام امر به معروف و نهی از منکر دارای مرحله بندی است از این روی نباید نگاه را متوقف در یک مرحله از آن کرد. کوشش زید بن علی را باید در یک سیر طبیعی و در چارچوب دینی اصلاح طلبانه و فراخوان به همه خوبی‌ها و کوشش برای بازداشتن فرد و جامعه از همه بدی‌ها و کج روی‌ها تبیین کرد.

با آگاهی به نبود وابستگی زید بن علی به حکومت بنی‌امیه، کوشش او برای



«اصلاحات انقلابی» می‌توان اصلاحات از برون قلمداد کرد. چراکه برای رهبری همچون زید بن علی و هوادارانش در عراق، روشن بود که هیئت حاکمه بنی‌امیه ماهیتی اصلاح‌ناپذیر دارد و با حرکات تدریجی، نمی‌توان امیدی به تغییر سیاست و دیدگاه فرمان‌روایان و کارگزاران آن داشت.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان، تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳ ش.
- آشوری، داریوش، دانش‌نامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۶ ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی، کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۵، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۷۸.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر؛ تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- ابن شعبه حرانی، أبو محمد الحسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی ابن طباطبا، تاریخ الدول الإسلامية، بیروت، دار صادر ۱۳۸۰. ق.
- ابن عبد ربه الأندلسی، احمد بن محمد، عقد الفرید، بیروت، دار الکتب العلمیة الطبعة، الأولى، ۱۴۰۴.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹.
- بارانی، محمدرضا؛ شعبان پور، هدی، «تحلیل جامعه‌شناختی نمادی شدن جنبش زید بن علی» فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۳، پیاپی ۱۱۳، پاییز ۱۳۹۳.
- بخاری، أبی نصر، سرالسلسلة العلویة، نجف الاشرف، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۳.
- جاحظ، ابی عثمان عمر بن بحر، البخلاء، دارالمعارف، قاهره، مصر، ۱۹۹۰ م.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۱،

بهار ۱۳۹۹

- جانسون، چالمرز، *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
- جمشیدی، محمد حسین، «مفهوم و ماهیت قیام در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *مجله حضور*، شماره ۵۷، تابستان ۱۳۸۵ ش.
- حاتمی، محمد رضا، *انقلاب از دیدگاه اسلام*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
- حلبی، علی اصغر، *تاریخ نهضت های دینی - سیاسی معاصر*، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر جعفر شهیدی، ج ۸، تهران، نشر روزبه، ۱۳۷۳ ش.
- رضوی اردکانی، ابوفاضل، *شخصیت و قیام زید بن علی علیه السلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- رهدار، احمد، «تحولات شیعه در دوران حاکمیت بنی مروان و بنی عباس؛ تشیع پسا کربلایی» *مجله بگناه حوزه*، شماره ۲۵۱، اسفند ۱۳۸۷ ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران*، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- ساروخانی، باقر، *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی تهران*، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ ش.
- الدرسی الحمزی، ابراهیم یحیی، *مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیرالمومنین زید بن علی*، یمن، صعده، مرکز اهل البيت علیهم السلام للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۲.
- سید جوادی، احمد رضا و دیگران، *دایره المعارف تشیع*، ج ۲، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۴ ش.
- شامی، فضیلت، *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری*، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷ ش.
- شریعتمداری، جعفر، *شرح و تفسیر لغات قرآن کریم بر اساس تفسیر نمونه*، ج ۲، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳ ش.
- صاحبی، محمد جواد، *اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی*، تهران انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ ش.

- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- طقوش، محمد سهیل، *دولت امویان*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ش.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الأمالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴.
- عباسی، ولی الله؛ «نگاهی به اصلاح گری اسلامی و غربی» *فصل نامه رواق اندیشه*، شماره ۱۶، قم، ۱۳۸۱ ش.
- عزتی، ابوالفضل، *اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات هدی، بی تا.
- علوی، علی بن محمد بن عبید الله عباسی، *سیرة الیهادی إلى الحق یحیی بن الحسین*، تحقیق سهیل زکار؛ بیروت، ۱۹۸۱ م.
- فرخنده زاده، محبوبه، «زید بن علی رهبر کاریزماتیک زیدیان» *فصل نامه تاریخ اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان، ۱۳۹۶ ش.
- کریمیان، حسین، *سیره و قیام زید بن علی علیہ السلام*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۸، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۱۳.
- گروه نویسندگان، *احیاء، دفتر چهارم*، تهران، نشر یادآوران، ۱۳۶۹ ش.
- گی روشه، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی. تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ش.
- مایکل کوک، *امریه معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی*، ج ۱، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- محلی، حمید بن احمد، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة*. ج ۱. دمشق، دار اسامة، ۱۴۰۵.
- محمدی، منوچهر، *انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدهای آن*، قم، معارف، ۱۳۸۱ ش.
- مطهری، مرتضی، *نهضت های اسلامی یک صد ساله اخیر*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰ ش.

- مظفری، آیت، «امام حسین علیه السلام اصلاح طلبی و اصول گرایی» مجله حصون، شماره ۱۴، ۱۳۸۶ ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
- مفید، ارشاد، ج ۲، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، اهداف قیام حسینی، قم، نشر علی بن ابی طالب، ۱۳۸۹ ش.
- مور، برینگتون، ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
- موسوی المقرم، عبدالرزاق، رهبرانقلاب خونین کوفه زید بن علی الحسین، ترجمه، عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۵۵ ش.
- مهیار، رضا؛ فرهنگ عربی-فارسی، تهران، انتشارات دانش یار، ۱۳۷۷ ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۴.
- نوری، حاتم، زید بن علی و مشروعیه الثورة عند اهل البيت علیهم السلام، قم، موسسه دائره معارف الاسلامی، ۱۴۲۶.
- واحدی، علی، «آرمان شناسی قیام های شیعی با رویکرد به شعارها و نمادها»، نشریه معرفت، سال ۱۹، شماره ۱۵۶، آذرماه ۱۳۸۹ ش.
- وحید دامغانی، ابراهیم، پیکار مقدس زید بن علی و فرزندانش، بی جا، بی نا، ۱۳۶۰ ش.
- یعقوبی، احمد بن اسماعیل، تاریخ الیعقوبی، قم، دارالزهراء، ۱۳۸۷ ش.